

احمد آرام



و سهم او در واژه‌گزینی
و تاریخ‌نگاری علم به زبان فارسی

غلامعلی حداد عادل



۹۵۶۶۱۷

www.ketab.ir

سرشناسه: حداد عادل، غلامعلی، ۱۳۲۴ -
عنوان و نام پدیدآور: احمد آرام [و سهم او در واژه‌گزینی و تاریخ‌نگاری علم به زبان فارسی] / نوشته غلامعلی حداد عادل
مشخصات نشر: تهران: هرمس، ۱۴۰۰
مشخصات ظاهری: ۲۳۵ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۵۶-۲۵۰-۸
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا
موضوع: آرام، احمد، ۱۲۸۳-۱۳۷۷.
رده‌بندی کنگره: Q۱۴۳
رده‌بندی دیویی: ۵۰۹/۲
شماره کتابشناسی ملی: ۷۵۹۵۹۳۰

احمد آرام و سهم او در آگاهی و تاریخ نگاری علم به زبان فارسی

غلامعلی حداد عادل

طراح جلد: حبیب ایلون

چاپ اول: ۱۴۰۰

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

چاپ: آیکان

همه حقوق محفوظ است.

تهران، خیابان ولی عصر، بالاتراز میدان ونک، شماره ۲۴۹۳

تلفن: ۸۸۷۹۵۶۷۴



فهرست

مقدمه نه

سیاس گزاری هفده

نظری به زندگی و شخصیت احمد آرام ۱

سهم آرام در واژه‌گزینی در زبان فارسی

۷

زمینه بحث ۹

کارهای آرام در واژه‌گزینی ۱۲

کارهای فردی ۱۳

کارهای جمعی ۱۷

الف. دایرةالمعارف فارسی ۱۸

ب. فرهنگ اصطلاحات جغرافیایی ۱۹

ج. فرهنگ اصطلاحات علمی ۲۲

د. همکاری با فرهنگستان زبان ایران ۲۴

ه. انجمن لغات پزشکی ۲۵

و. عضویت در فرهنگستان زبان و ادب فارسی ۲۷

مبانی و اصول آرام در واژه‌گزینی و سبک و سلیقه او ۲۹

الف. اعتقاد به ضرورت ایجاد «زبان فارسی علمی» ۳۶

ب. پرهیز از افراط و تفریط ۳۹

- ج. ضرورت واژه‌گزینی نظام‌مند و متمرکز در يك مرجع رسمی ۴۱
- د. واژه‌گزینی بر اساس اصول و ضوابط علمی ۴۵
- ه. نوآوری‌های دستوری ۵۱
- و. جواز استفاده از لغات جاافتاده فرنگی ۵۵
- ز. نکاتی دیگر از سبک و سلیقه آرام در واژه‌گزینی ۵۶
- ارزیابی و نقد ۵۸
- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ۸۷

سهم آرام در تاریخ‌نگاری علم به زبان فارسی

۸۹

- زمینه بحث ۹۱
- معرفی کتاب ها ۹۸
- الف. کتاب‌هایی با موضوع «تاریخ علم» ۹۹
۱. تاریخ علم ۹۹
۲. شش بال ۱۰۷
۳. تکامل علم فیزیک ۱۱۰
۴. از اوگوستن تا گالیله ۱۱۴
۵. تاریخ ریاضیات یونان ۱۱۵
۶. انتقال علوم یونانی به عالم اسلامی ۱۱۹
۷. تاریخ نجوم اسلامی ۱۲۱
۸. علم و تمدن در اسلام ۱۲۵
۹. علم در اسلام ۱۲۹
۱۰. متفکران اسلام ۱۳۱
۱۱. بیست مقاله نفی زاده ۱۳۶
۱۲. عروج انسان ۱۴۰
- ب. کتاب‌هایی با موضوع «علم در تاریخ» ۱۴۹
۱. تحدید نهایات الاماکن لتصحیح مسافات المساکن ۱۴۹
۲. التصریف لمن عجز عن التألیف (بخش جراحی و ابزارهای آن) ۱۵۲

۳. کتاب احمد بن محمد بن کثیر فرغانی در حرکات آسمانی و کلیات علم نجوم.....	۱۵۵
ج. کتاب‌های متضمن تاریخ علم.....	۱۵۷
۱. علم به کجا می‌رود؟.....	۱۵۷
۲. علم، نظریه، و انسان.....	۱۶۱
۳. علم و مردم.....	۱۶۲
۴. پیدایش و مرگ خورشید.....	۱۶۴
۵. ساختار انقلاب‌های علمی.....	۱۶۷
۶. علم و فرزاندگی.....	۱۷۱
۷. نسبیت برای همه.....	۱۷۳
۸. سه حکیم مسلمان.....	۱۷۴
د. دو مجموعه دیگر از ترجمه‌های آرام.....	۱۷۵
معرفی مقالات.....	۱۷۸
الف: مقالات منتشر شده در کتاب‌ها.....	۱۷۹
۱. «علم و فلسفه».....	۱۷۹
۲. «تاریخ علم: تصور و تخیل درباره طبیعت».....	۱۷۹
۳. «علم کلام و علوم طبیعی (مورد ابواسحاق قشیری)».....	۱۸۰
۴. «رساله جهان».....	۱۸۰
۵. «انقلاب فلکی [کوپرنیک]».....	۱۸۲
۶. «محمد بن موسی خوارزمی و آثارش».....	۱۸۲
۷. «علم و پزشکی اسلامی».....	۱۸۳
ب: مقالات منتشر شده در نشریات.....	۱۸۵
ج. مقالات منتشر شده در دانشنامه‌ها و فرهنگنامه‌ها.....	۱۸۹
کتابشناسی احمد آرام.....	۱۹۷
منابع و مأخذ.....	۲۰۷
نمایه.....	۲۱۵

مقدمه

در جامعه ما رسم بر این است که وقتی بزرگی از دنیا می‌رود دیگران تأسف خود را از فوت او اعلام می‌کنند و صفات او را با الفاظ و عبارات ستایش‌آمیز وصف می‌کنند و دریغاً دریغ می‌گویند، یا اگر بخواهند برای او به اصطلاح سنگ تمام بگذارند، علاوه بر اظهار تأسف، گزارشی همراه با گاه‌شماری از مراحل و سوانح زندگی او به‌دست می‌دهند که کمی به دنیا آمد و در کجاها درس خواند و چه مسئولیت‌هایی برعهده داشت و چه کتاب‌هایی از خود به جا گذاشت. این اظهارات به‌خودی خود عیبی ندارد و حتی باید گفت لازم نیز هست، اما کافی نیست. مقصود این است که نباید واکنش جامعه نسبت به شخصیت‌های ارزجند و مؤثری که چشم از جهان فرو می‌بندند به همین عبارات و جملات متعارف و مرسوم محدود و منحصر شود، بلکه می‌باید در کنار «آگهی»‌های رسمی نوعی «آگاهی» نیز از جایگاه و پایگاه شخصیت موردنظر به جامعه داده شود و اهمیت کار او تشریح شود و توانایی‌ها و مهارت‌های وی و تأثیری که او در عمر خود بر جای نهاده توضیح داده شود. اگر قبول داریم که حقیقت انسان همان «اندیشه» اوست، احترام واقعی به انسان شناخت اندیشه او و ارزیابی آن و معرفی آن به دیگران خواهد بود. این کتاب با چنین نیت و انگیزه‌ای تألیف شده است و غرض از تألیف آن این بوده که بیست و دو سال پس از درگذشت احمد آرام بعضی از ابعاد شخصیت علمی و فرهنگی او به درستی و دقت تشریح شود و شناخته‌اید.

دقیقاً یادم نیست از چه سالی با نام احمد آرام آشنا شدم، اما حدس می‌زنم این آشنایی در اواخر دهه سی و یا اوایل دهه چهل، یعنی سال‌های آخر تحصیل من در

رشته ریاضی دبیرستان، اتفاق افتاده باشد. به یاد دارم که استاد گران قدرم، مرحوم رضا روزه که فیزیکدان برجسته‌ای بود، در تفهیم رموز و نکات حساب مشتق و انتگرال، از کتاب حساب دیفرانسیل و انتگرال در دسترس همه^۱، ترجمه احمد آرام، نام می‌برد و ما را به آن ارجاع می‌داد. بعد از آن، در سال‌هایی که در رشته فیزیک دانشگاه تهران درس می‌خواندم، آمادگی و علاقه بیشتری به خواندن ترجمه‌های آرام پیدا کردم. از جمله کتاب‌هایی که در آن سال‌ها از آرام خواندم کتاب تکامل فیزیک آلبرت اینشتین و لنو پولد اینفلد بود که استادم مرحوم دکتر محمود حسابی بر آن مقدمه نوشته بود و استاد دیگرم مرحوم دکتر کمال الدین جناب موضوع آن را که «نظریه نسبیت» بود به ما درس داده بود.

علاقه من به خواندن ترجمه‌های آرام با علاقه‌ای که - نادیده - به شخص او داشتم بی‌ارتباط نبود. آرام را هم عالم به علوم جدید و هم متدین می‌دانستم و واقعاً هم او چنین بود. امثال او - که در آن سال‌ها زیاد هم نبودند - برای جوانانی در سن و سال من الگویی بودند که با وجود خود امکان سازگاری علم و دین را اثبات می‌کردند.

در همان سال‌ها بود که علاوه بر کتاب‌های علمی ترجمه آرام، کتاب گفتار رمضان طنطاوی مصری را که آرام ترجمه کرده بود خواندم. حسن آن کتاب این بود که متن عربی کتاب در پانوشت هر صفحه زیر ترجمه فارسی درج شده بود و این به من کمک می‌کرد تا، با تطبیق متن و ترجمه، زبان عربی را که در دبیرستان آموخته بودم فراموش نکنم. در همان سال‌ها بود که کتاب‌هایی نظیر آموزشگاه زندگی و اثبات وجود خدا را با ترجمه او خواندم.

به تدریج که در درس‌های دانشگاهی پیش می‌رفتم کتاب‌های بیشتری از آرام می‌خواندم. در دوره کارشناسی ارشد فیزیک، کتاب‌های علم به کجا می‌رود؟ از ماکس پلانک و علم، نظریه، و انسان از شرویدینگر و نیز نسبیت برای همه از جیمز کولمن را با ترجمه آرام خواندم. از سال ۱۳۴۷ که به تحصیل در علوم انسانی و

۱. برای آگاهی از اطلاعات کتابشناختی کامل این اثر و آثاری که در این مقدمه نام برده می‌شود بنگرید به بخش «کتابشناسی احمد آرام» در انتهای کتاب.

فلسفه علاقه‌مند شدم و به دانشکده ادبیات دانشگاه تهران رفتم، دربرزخ انتقال از فیزیک به فلسفه، چند سالی تاریخ علم می‌خواندم و درس می‌دادم. در این سال‌ها کتاب انتقال علوم یونانی به عالم اسلامی و کتاب تاریخ نجوم اسلامی را خواندم و از علم و دانش مؤلفان آن کتاب‌ها و زبان استوار و صحیح و فصیح مترجم، که همانا احمد آرام بود، فایده‌ها اندوختم. در اواخر دههٔ چهل و اوایل دههٔ پنجاه، که کم‌کم جرئت ترجمهٔ مطالب علمی و فلسفی و نگارش مقاله پیدا کرده بودم، دو کتاب سه حکیم مسلمان و علم و تمدن در اسلام دکتر سیدحسین نصر را که آرام ترجمه کرده بود به‌دقت خواندم و هر دو را با حوصلهٔ بسیار با اصل انگلیسی مطابقت دادم و دو نقد جداگانه بر دو کتاب نوشتم که چاپ شد.^۱

در سال ۱۳۵۱ که چند ماهی در مؤسسهٔ انتشارات فرانکلین ویراستار بودم، به فضای کاری آرام نزدیک‌تر شدم. آرام آن زمان شخصیتی شناخته‌شده و مورد قبول ویراستاران و مترجمان جوان بود و در «دایرةالمعارف فارسی» و در میدان ترجمه میان‌داری می‌کرد؛ طبیعی بود که او را بیشتر و بیشتر و از نزدیک می‌دیدم. بعدها در سال‌هایی که در وزارت آموزش و پرورش مسئولیت کتاب‌های درسی را برعهده داشتم، در ایجاد نمایشگاه کتاب‌های درسی از داوران به بعد با او مشورت کردم. آرام در مصاحبه با پیروز سیار، آنجا که نامی از من می‌برد، تلویحاً به این نمایشگاه اشاره می‌کند.^۲ و سرانجام چنین مقدر بود که او و من هر دو، با اختلاف سنی چهل و سه سال، از سال ۱۳۶۹ عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی باشیم. چند سال بعد، رئیس فرهنگستان شدم و در خدمت مردی قرار گرفتم که از دوران نوجوانی و جوانی بر سر سفرهٔ کریمانهٔ آثار او نشسته بودم و حالا افتخار همنشینی و همکاری با او را پیدا کرده بودم.

من شخص آرام را دوست می‌داشتم و برای او حرمت بسیار قائل بودم. او

۱. حداد عادل، غلامعلی، «در شرق هم خبری هست [نقد کتاب علم و تمدن در اسلام (تألیف سیدحسین نصر و ترجمهٔ احمد آرام)]»، کتاب امروز (بهار ۱۳۵۲)، ص ۲۳-۲۶؛ حداد عادل، غلامعلی، «[نقد] سه حکیم مسلمان»، راهنمای کتاب، س ۱۷، ش ۹-۷ (مهر-آذر ۱۳۵۳)، ص ۵۶۹-۵۷۹.

۲. گوهر عمر: گفت‌وگوی پیروز سیار با استاد احمد آرام. تهران: نشر نی، ۱۳۸۱، ص ۵۵.

در علم و اخلاق نمونه بود. سال‌هایی که در جلسات شورای فرهنگستان شرکت می‌کرد، دههٔ دهم عمر خود را می‌گذرانید و دیگر آن تحرک و نشاط گذشته را نداشت و گهگاه از مشکلات خود در سالخوردگی و تنهایی با من درددل می‌کرد. یک بار با او به گفت‌وگو نشستیم و مصاحبه‌ای کردم که در دو شماره از خبرنامهٔ فرهنگستان چاپ شد.^۱ دیری نگذشت که آن مرد نازنین در سرزمینی دوردست از دنیا رفت و پیکرش به ایران باز گشت. پس از درگذشت او، مقاله‌ای با عنوان «به یاد احمد آرام» نوشتم که در نامهٔ فرهنگستان منتشر شد.^۲

آرام در عمر نود و چهار سالهٔ پربرکت خود در صحنه‌های مختلف علمی و فرهنگی و اجتماعی نقش مؤثر داشته است. او، که خود در زمان تحصیل شاگرد استادانی مانند دکتر صدیق اعلم و غلامحسین رهنما و دکتر حسین گل‌گلاب بوده، بیش از سی سال در مدارس معلمی کرده است. صادق چوبک و فریدون توللی و دکتر مهدی حمیلی، هم‌زمان، در یک کلاس در شیراز شاگرد او بوده‌اند. دکتر حسین فاطمی نیز در استهبان نزد او در مدرسه درس خوانده است. آرام علاوه بر معلمی سابقهٔ مدیریت و بازرسی مدارس و مدیرکلی آموزش و پرورش تهران و حتی معاونت وزارت فرهنگ (آموزش و پرورش بعدی) را هم داشته است. او اندکی بعد از بازنشستگی در ۱۳۳۵، تمام وقت و تمام قد به ترجمه می‌پردازد و بیش از شصت سال با اعتقادی راسخ و عاشقانه در این کار پای می‌فشرد؛ هر چند همهٔ ترجمه‌های او را نمی‌توان در یک پایه و تراز دانست و باید گفت اوج دانش و دقت و هنر او در ترجمهٔ متون تاریخ علم قدیم و اسلامی است.

در بارهٔ شخصیت او از جهات مختلف می‌توان سخن گفت: آرام معلم، آرام مدیر، آرام مؤلف، آرام مترجم، و آرام واژه‌گزین و نیز آرام در مقام مترجمی که به ترویج علم در جامعهٔ ایران و در میان عامهٔ باسوادان اعتقاد داشت؛ کاری که خود او از آن به «همگانیدن علم» تعبیر کرده است. دربارهٔ افکار و دیدگاه‌های او و اعتقادات دینی و

۱. «مصاحبه با استاد احمد آرام...»، خبرنامهٔ فرهنگستان، س ۲، ش ۱۵ و ۱۶ (اسفند ۱۳۷۵ و فروردین ۱۳۷۶)؛ ش ۱۷ (اردیبهشت ۱۳۷۶).

۲. حداد عادل، غلامعلی، «به یاد احمد آرام»، نامهٔ فرهنگستان، س ۳، ش ۳ (پاییز ۱۳۷۶)، ص ۸-۲.

سجایای اخلاقی و نظری که درباره فلسفه و هنر و ادبیات داشته نیز می‌توان سخن گفت. در این کتاب، ما از میان این ابعاد گوناگون، صرفاً به دو بعد «واژه‌گزینی» و «تاریخ‌نگاری علم» توجه کرده‌ایم و می‌دانیم که چنین تصویری از چهره علمی و فکری و معنوی تصویری نیست که همه شخصیت او را نشان دهد.

این کتاب، علاوه بر ادای احترام به یک شخصیت وارسته و دانشمند، فایده دیگری نیز می‌تواند داشته باشد و آن کمک به پژوهشگران و دانشجویان رشته‌های تخصصی «واژه‌گزینی» و «تاریخ علم» است. امروزه خوشبختانه این دو رشته در مراکز دانشگاهی و پژوهشی ایران در سطوح کارشناسی ارشد و دکتری تدریس می‌شود. آشنایی کارشناسان واژه‌گزینی و دانشجویان این رشته با تلاش هفتاد و پنج ساله مردی که در ترجمه از سه زبان انگلیسی و فرانسه و عربی سروکار دائم با واژه‌گزینی داشته است درس‌آموز است. زندگی آرام، چنان‌که در بخش نخست کتاب گفته‌ایم، بخشی از تاریخ واژه‌گزینی و تاریخ تکوین زبان فارسی علمی در ایران معاصر است. استادان و مترجمان و کارشناسان فرهنگستان که ناگزیر از واژه‌گزینی هستند از آرام بسیار نکته‌ها می‌توانند آموخت؛ هرچند در پاره‌ای موارد هم می‌توانند خود را از تکرار تجربه‌هایی که بی‌فرومایه یا کم‌بازده بوده مصون بدارند.

علاوه بر این، مراجعه به این کتاب و مطالعه آن دانشجویان رشته تاریخ علم و پژوهشگران این رشته را نیز از دستاورد ارزشمند آرام در تاریخ علم آگاه خواهد کرد. آرام هزاران صفحه کتاب در تاریخ علم ترجمه کرده است. شناخت ترجمه‌های او در تاریخ علم - که هم شامل علم به معنی وسیع کلمه و هم به معنی خاص «علم در اسلام» می‌شود - نه فقط بر اطلاعات و معلومات دانشجویان می‌افزاید بلکه زحمت ترجمه را نیز از دوش آنان بر می‌گیرد و، مهم‌تر از آن، مخصوصاً در حوزه علوم اسلامی، دانشجوی تاریخ علم را با زبان فنی دانشمندان دوره اسلامی در علوم می‌مانند ریاضیات و نجوم آشنا می‌سازد. آرام می‌تواند از این حیث معلم بسیار خوبی برای دانشجویان و محققان حوزه تاریخ علوم اسلامی باشد. آگاهی از کتاب‌هایی که آرام در تاریخ علم ترجمه کرده است، اعم از آنچه صریحاً در موضوع

تاریخ علم و یا متضمن تاریخ علم بوده است، در واقع نوعی «منبع‌شناسی» برای همه دانشجویان و پژوهشگران تاریخ علم محسوب می‌شود. چنان‌که در متن کتاب خواهید دید، ما از آرام دوازده کتاب در «تاریخ علم» (چه علوم اسلامی و چه علم جدید غربی) و سه کتاب در موضوع «علم در تاریخ» و هشت کتاب «متضمن تاریخ علم» معرفی کرده‌ایم که جمعاً به بیست‌وسه کتاب بالغ می‌شود. البته مطمئن نیستیم که در سایر کتاب‌های آرام مطلبی درباره تاریخ علم نیامده باشد. علاوه بر اینها، تعدادی از مقالات آرام را که نه در مجلات بلکه در کتاب‌ها آمده و به تاریخ علم اختصاص داشته در متن کتاب معرفی کرده‌ایم و فهرستی از چند ده مقاله تاریخ علمی او را که در مجلات و دانشنامه‌ها درج شده بوده نیز، بدون شرح، به دست داده‌ایم. در پایان کتاب نیز با درج کتابشناسی او سعی کرده‌ایم کتابشناسی‌های او را که تاکنون منتشر شده‌اند کامل کنیم. می‌توان گفت که بخش دوم این کتاب، در حقیقت، کلید دسترسی به آثار تاریخ علمی آرام، اعم از کتاب و مقاله، است که می‌تواند برای پژوهشگران این رشته مفید باشد.

آرام از جمله کسانی بود که در سال‌های بعد از انقلاب قدر و منزلتی ویژه یافت. در مجامع و محافل علمی و فرهنگی از او تقدیر کردند و بارها در مصاحبه‌ها از او خواستند شرح حال و خاطرات خود را بازگو کند. از همه مصاحبه‌هایی که با او شده کتاب گوهر عمر مفصل‌تر و مفیدتر است. این کتاب حاصل مصاحبه پیروز سیار با اوست. سیار گوهرشناسی و قدرشناسی کرده و آرام را به سخن درآورده و به او فرصت داده تا، به دور از آداب و ترتیب مصاحبه، هرچه می‌خواهد بگوید و ذهنش را به هرکجا می‌خواهد ببرد. حاصل این همت و تلاش کتابی در حدود سیصد صفحه شده است که ما در تألیف این کتاب بیش از هر منبع دیگری از آن بهره برده‌ایم.^۱ جا دارد از آقای پیروز سیار صمیمانه تشکر کنیم. اگر کتاب او نبود، بسیاری از اندیشه‌ها و دیدگاه‌های آرام برای ابد ناگفته می‌ماند. علاوه بر گوهر عمر، به منابع فراوان دیگری نیز مراجعه کرده‌ایم که فهرست کامل آنها در پایان کتاب خواهد آمد.

۱. خوشبختانه این کتاب، پس از آنکه چند سال در بازار نشر نایاب بود، با مشخصات زیر تجدید چاپ شده است: یادگار عمر: گفت‌وگوی پیروز سیار با احمد آرام، تهران: کارنامه، ۱۳۹۹.

در این کتاب کوشیده‌ایم در عین تأکید بر شخصیت محترم و مؤثر احمد آرام، ستایشگر محض و مطلق او نباشیم. در عین حال که سعی کرده‌ایم نقش و تأثیر او را در واژه‌گزینی و سهمش را در سنت نوپای تاریخ‌نگاری علم در ایران بیان کنیم، از نقد منصفانه دیدگاه‌های او به‌ویژه در واژه‌گزینی و دستور خط خودداری نکرده‌ایم. در واژه‌گزینی تا آنجا که توانسته‌ایم به دیدگاه و سبک و سلیقه و دستاوردهای او اشاره کرده‌ایم و در بحث از «تاریخ‌نگاری علم» مراقب بوده‌ایم که همه ترجمه‌های او را در تاریخ علم معرفی کنیم.

امیدواریم این کتاب گامی باشد در راه نوع جدیدی از تکریم بزرگان، تا هم در زندگانی آنان و هم پس از مرگشان صرفاً به آه و افسوس اکتفا نکنیم، بلکه اندیشه‌ها و انگیزه‌های آنان را معرفی کنیم. نیز امیدواریم که نسل جوانی که جانشین مردان بزرگ خواهند شد بزرگی را از آنان بیاموزد و برای رشد و اعتلای میهن، با اخلاص و همت بلند و سخت‌کوشی و دانش‌دوستی و دوری از سوداگری و سودپرستی و سطحی‌نگری، عاشقانه بکوشد و خدمت کند. آرام چنین بود. خدایش بیامرزد که مرد بزرگی بود.

غلامعلی حدّاد عادل

۱۴۰۰/۲/۲۴